

بفت مقایسه‌ای  
مخبر سبحانی

## ایده آلیست چیست؟

در کتابهای فلسفی از این کلمه بسیار یاد می‌شود، گروهی آن را در معنی معنی گراء که معنی اصلی آن است به کار می‌برند، ولی این لفظ بسان الفاظ «متانیزیک» و «فاله‌تیک» به مرور زمان، معانی مختلفی پیدا کرده است. چه بهتر با این معانی آشنا شویم و اشتباهاتی را که در این میان رخ داده است یاد آوریم.

۱- نخستین معنای «ایده آلیست».

«ایده» به معنی فکر و اندیشه است و ایده آلیسم مکتبی است که اصالت و ازان ذهن و ذهنیات می‌داند و ایده آلیست کسی است که از این مکتب پیروی می‌کند.

ایده آلیست‌های واقعی گروهی بودند که به واقعیت‌های مادی و خارجی توأمان و زمین، حیوان و جمادات اعتقاد نداشته و همه جهان را جز خیال و بنیاد نمی‌دانسته و می‌گفته و آنچه به واقعیت خود و به یک رشته صورت‌های ذهنی خود به چیزی اعتقاد نداشتند و به اصطلاح مد در حد «ذهنی گراء» بودند، و مدعی بودند که ما نکر می‌کنیم آسمان و زمین هست، فکر می‌کنیم و واقعی به نام آب و آتش وجود دارد ولی هرگز نمی‌دانیم که آیا در خارج از ذهن، چنین واقعیت‌هایی هست یا نه؟ برخی از آنان گام فراتر نهاده و گفته‌اند که وجود

واقعیت‌ها شك می‌کردند، بلکه به انکار ونفی واقعیت‌های خارج بر می‌خواستند. و این گروه در یونان باستان به «سوفسطائیان» در دوره رنسانس به نام «سوفیست‌ها» معروف شده. اندو شخصیت‌هایی مانند برکلای انگلیسی (۱۶۸۵ - ۱۷۵۳) و بنهاور آلمانی (۱۷۷۷ - ۱۸۶۰) و غیر آنها از این مکتب پیروی کرده‌اند.

گروه سوفیست با شدت و ضعفی که در انکار واقعیات و باتشکیک در حقایق عینی دارند به گروه‌های مختلف و گوناگون تقسیم شده‌اند و هر کدام برای خود شیوه و روشی داده و بیان هر یک از روش‌ها و طرز تفکر آن‌ها مایه اطاله سخن است. شیخ الرئیس در «شفا» (۱) و صدر المتألهین در اسفار این گروه را بگونه‌ای معاکمه کرده‌اند و سرانجام نظر دادند که آنان را عملاً باید هدایت عملی کنند تا به واقعیت‌ها معترف و معتقد گردند مثلاً آنان را بزرند و اگر اعتراض کردند که چرا ما را می‌زنید به آنان گفته شود که زدن و زدن در نزد شما یکسان است زیرا شما هر نوع واقعیت را از وجود ضارب و ضرب منکر هستید یا در آنها شك دارید؟ باید به آنان پیشنهاد کرد که وارد آتش شوند اگر از ورود به آتش خودداری کردند، به آنها گفته شود آتشی در کار نیست چرا از ورود به آن خودداری می‌کنید؟ و از این طریق باید آنان را به واقعیت‌های عینی و خارجی که هر انسانی فطرتاً از آن آگاه است معتقد ساخت (۲)

استاد عالیقدر حضرت علامه طباطبائی در نوشته ارزشمند خود «اصول فلسفه» درباره این گروه و عقاید و طرز تفکر و نحوه هدایت و ارشاد آنان مقاله‌ای دارد، علاقمندان میتوانند به آن مراجعه کنند

بنابراین یکی از معانی «ایده آلیست» «ذهن‌گرایی» است اعم از منکر واقعیت‌ها یا شاکدر آنها. اکنون با معنی دوم «ایده آلیست» آشنا شویم:

### معنی دوم ایده آلیست

این لفظ به مرور زمان معنی اساسی خود را از دست داده و در باره گروهی به کار برده که به موجودات مجرد از ماده مانند خدا و فرشته، روح و... معتقد باشند، این موجودات با این که مادی نیستند و از آثار ماده، پیراسته میباشند ولی نزد خداپرستان از واقعیت و عینیت قطعی خارجی کاملاً برخوردارند: این موجودات از قبیل ذهن و ذهنی خالص نیستند بلکه در جهان خارج از ذهن و محیط اندیشه، وجود دارند.

ولی از آنجا که مارکسیست‌ها برای آنها واقعیتی، در غیر ذهن قائل نیستند، آنها را

(۱) شفاء چاپ ایران ص

(۲) اسفار ج ۱ ص ۲۰: «فلیس علاجهم الا ان یکلفوا بدخول النار والنار واحد و یضربوا فان الالم واللالم واحد».

پنداری بیش نمی‌دانند از این جهت این طرز تفکر را تفکر ایده‌آلیستی نامیده‌اند .

يك چنین ناهگذاری جز غرور بیش از حد چیزی نیست، وانگیزه آن اعتماد ب مکتب خویش و تحقیر مکتب دیگران می‌باشد ، مارکسیست می‌گوید چون من برای موجودی بنام خدا و فرشته، عینیتی در خارج قائل نیستم و واقعیت آنها را جز پنداری دودهن چیزی نمی‌دانم پس چه بهتر این گروه را ایده‌آلیست بنامم در حالی که طرف مقابل ذهنی بودن این اشیاء را صد درصد انکار می‌کند و برای آنها عینیتی ، بالاتر معتقد است .

\* \* \*

مارکسیستها تنها باین گفته بالا اکتفا نمی‌کنند بلکه دائره تهمت را وسیع تر ساخته تمام گروه‌ها را که با منطق ماتریالیسم و دیالیک تیک مخالف باشند ایده‌آلیست می‌خوانند و اصرار دارند، که هر نوع تجزیه و تحلیل فلسفی و تاریخی که بر اساس دیالیک تیکی نباشد، جنبه «ایده‌آلیستی» دارد !

به عبارت دیگر، مارکسیست می‌گوید: مکتب مارکس یگانه مکتبی است که بر اساس ایمان به عینیت و واقعیت‌های خارجی ، استوار است ، و هر مکتبی که با این روش مخالف باشد در راه تشکیک در عینیت‌های واقعی و تاریخی گام برمی‌دارد .  
ولی باید توجه داشت که مخالفت با مادگیری مطلقاً ، حتی با مادگیری به شیوه دیالیک تیکی ، به معنی طرفداری از ایده‌آلیست‌ها و مخالفت با ایمان و اعتقاد به عینیت‌ها نیست .

این که مارکسیستها ، طرز تفکر را، به یکی از دوروش، منحصر می‌سازند و می‌گویند: «باید از طرز تفکر دیالیک تیکی پیروی کرد و باید به صف ایده‌آلیست‌ها پیوست» تزویری بیش نیست زیرا ایمان به واقعیات جدا از ذهن در انحصار ماتریالیسم دیالیک تیک نبوده و مخالف با این مکتب به معنی تشکیک در عینیت‌های خارجی نیست .  
ایمان به حقایق خارجی و حقیقت عینی جامعه و پدیده‌های تاریخی و هر پدیده‌ای که در حال حاضر وجود دارد و یاد گذشته وجود داشته است، چیزی نیست که فقط مارکسیست به آن مؤمن و دیگران منکر آن باشند بلکه تمام گروه‌های فلسفی جزیک لفره بنام سوفیست به عینیت‌ها معتقد بوده و هستند ، چیزی که هست ماتریالیست وجود و هستی را ، با ماده و انرژی مساوی می‌داند ، در صورتی که در مکتب الهی وجود و هستی ، اعم از ماده و انرژی است .

مکتب مارکسیسم شاخه‌ای از مکتب مادی‌گری است و مکتب خود را دیالیک تیک می‌نامند ، و تحول و حرکت جهان و جامعه را بر اساس وجود تضاد در درون اشیاء تفسیر می‌کنند در حالی که مکتب‌های دیگر مادی از این روش پیروی نمی‌کنند . این مخالفت نباید سبب شود که رقیبان خود را با اینکه به جهان خارج از ذهن ایمان دارند ایده‌آلیست نامند زیرا

همان طور که یادآور شدیم مقصود از این لفظ همان گروه «ذهنی» گرا است در حالی که گروه مخالف مارکسیسم، واقع گرا، هستند نه ذهنی گرا و واقعیات در نظر آنان از توسعه بیشتری برخوردار است .

مارکسیست‌ها تمام اندیشه های انسانی را از قبیل ادبیات و فلسفه ، حقوق و هنر ، تجلی عینیت‌های خارجی دانسته و برگردان آنها می‌دانند و می‌گویند ، تمام تفکرات انسان از خارج ریشه می‌گیرد و عوامل اقتصادی پایه‌انکار انسانی می‌باشد . هر صورتی که گروه دیگر برای اندیشه‌های بشری و تاریخ او عوامل دیگری غیر از نهاد اقتصادی معرفی می‌کنند . و معتقد هستند که زیربنای تاریخ منحصر به عامل اقتصادی نیست بلکه عوامل دیگری نیز در تاریخ بشر دخالت داشته و مؤثر می‌باشند .

مخالفت با مارکسیسم درباره تفسیر عامل معرک تاریخ نباید سبب گردد که مخالفان او به ایده‌آلیستی متهم گردند در صورتی ایمان به حقیقت عینی جهان و تاریخ (به عوامل تفسیر گردد) مورد اتفاق همه گروه‌های فلسفی است .

خلاصه هر گروهی که به عینیت‌های خارجی ، از قبیل جهان و جامعه ، عقیده واضح دارند ، جهان و رویداد های تاریخی را از طریق علیت و معلول تفسیر می‌کنند ، این گروه همگی رئالیست و واقع بین می‌باشند هر چند در مسائل دیگر مانند انحصار وجود هستی بماده و انرژی ، یا حکومت حرکت بر جهان و جامعه تا تفسیر رویداد های تاریخی از طریق عامل اقتصادی و غیر آن ، اختلاف داشته باشند .

\* \* \*

در تفسیر مکتب های فلسفی ، باید گروهی را که واقعیات های عینی را انکار می‌کنند یا در آنها شك می‌ورزند و می‌گویند جهان ، خیال و پنداری بیش نیست ، « باید ایده‌آلیست» و دیگر مکتب‌ها را مکتب رئالیستی خواند ، هر چند در مسائل دیگر ، با هم اختلاف داشته باشند .

### حق نمک را باید ادا کرد

شکی نیست که مارکسیسم در مسائل مربوط به دیالیک تیک و غیره مرهون انکار بوند پایه هکل است ، و همه این آوازه‌ها از او می‌باشد ، ولی طرفداران این مکتب بجای قدردانی از انکار این استاد عالیقدر ، او را آنچنان تحقیر میکنند (۱) و می‌گویند مارکس

(۱) بقول آندره بی‌یتر : فلسفه مارکس از فلسفه هکل ریشه می‌گیرد ضمن این که پیروی کاملی است از روش هکل ، واکنش قاطعی علیه اندیشه وی است . مانند فرزند باغی استاد است و بقول لایبرور ، همچون کودکانی است که بر ستار خود راکتک می‌زنند .

دمارکس و مارکسیسم ص ۳

دیهالیک تیک را از هکل گرفت ولی جنبه ایده آلیستی آن را حذف کرد و مخروط دیهالیک تیک را که بر سر ایستاده بود، آن را روی پا نشانید.

« ژورژ پولیستر » می نویسد : دیهالیک تیک بدست فیلسوفی بنام هکل پیشرفت کرد ، هکل ایده آلیست است زیرا روح را مقدم بر ماده می پندارد، به تصور او تغییرات روحی است که تغییرات مادی را به خود می آورد. ولی مارکس و انگلس مقام اول را برای ماده قائل شده اند آنان دیهالیک تیک استاد را مطالعه کردند و استنباط کردند که این دیهالیک تیک ، دارای مباحث صحیحی است منتها بصورت وارونه طرح شده است.

انگلس می گوید : دیهالیک تیک هکل روی سر ایستاده بود ناچار بایستی آن را روی پا

گذاشت (۳)

تقصیر، هکل چه بود که او را ایده آلیست می خوانند، تقصیر او این بود که به خدا و روح معتقد بود ، و فکر انسان را ، معلول وضع خارج نمی دانست و برای انسان و افکار او بیش از این، ارزش قائل بود که فکر انسان فقط و فقط مولود وضع اقتصادی ، یا برگردان خارج باشد.

آیا او متکرمینیت های مادی بود؟ بطور مسلم نه.

آیا او رویدادهای طبیعی و جامعه را بدون علت می انگاشت؟ نه.

پس چرا او را ایده آلیست می خوانند ؟

خلاصه هر گروهی که به واقعیت های عینی منهای ذهن معترف باشند آنان را در وصف رئالیست ها آوردند ، هر چند در دیگر اصول با دیگر مکتب های فلسفی مخالف باشند ، تنها یک گروه را باید ایده آلیست خواند که به واقعیت های خارج مومن نباشند و به اصطلاح صد درصد ذهنی گرا باشند یا در واقعیت ها شک و تردید کنند.

## آگهی ...

به اطلاع عموم نمایندگان و مشترکان محترم میرساند دفتر مجله مکتب اسلام بسیاری از شماره های سالهای گذشته را به طور متفرقه و جلد شده در اختیار دارد ، علاقمندان می توانند با مراجعه به این دفتر شماره های مورد نظر خود را با قیمت مناسب تهیه کنند .

قم - دفتر مجله مکتب اسلام

(۲) مقصود خدا است.

(۳) اصول مقدماتی فلسفه ص ۱۳۶-۱۳۷